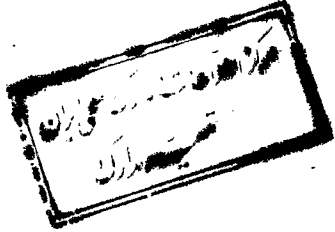




دانشگاه فردوسی مشهد
معاونت تحصیلات تکمیلی

دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۰



پایان نامه تحصیلی
کارشناسی ارشد تاریخ

موضوع:

قوام السلطنه و حزب دموکرات

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حسین الهی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر ابوالفضل نبئی

پژوهش و نگارش:

ایرج آقاملایی

نیمسال تحصیلی دوم ۷۴-۱۳۷۳

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۰

تایپ و تکثیر جواد الائمه (علیه السلام) - مشهد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
=====	=====
۱	۱- پیشگفتار.....
۶	۲- مقدمه.....
۱۳-۲۸	۳- بخش اول: پیشینه حزب و احزاب سیاسی در ایران.....
۱۴	فصل اول: چگونگی پیدایش احزاب سیاسی در دوران مشروطه.....
	فصل دوم: احزاب سیاسی پس از مشروطه و تشکیل مجلس دوم
۱۷	[حزب دموکرات، اعتدالیون، اتفاق ترقی].....
	فصل سوم: احزاب سیاسی در مجلس چهارم و دوران پس از کودتا
	(۱۲۹۹ ه.ش) حزب کمونیست و سرنوشت آن در دوران سلطنت
۲۴	رضاشاه.....
۲۹-۴۰	۴- بخش دوم: شخصیت و زندگی سیاسی احمد قوام (قوام السلطنه).....
۳۰	فصل چهارم: زندگی سیاسی قوام السلطنه در دوران مظفرالدین شاه.....
	فصل پنجم: زندگی سیاسی قوام السلطنه در دوران محمدعلی شاه
۳۳	واحمدشاه.....
	فصل ششم: فعالیت سیاسی قوام السلطنه پس از کودتا و پایان دوره اول
۳۶	فعالیت سیاسی قوام.....
۴۱-۶۹	۵- بخش سوم: عصر آشوب (۱۳۲۶ - ۱۳۲۰).....
۴۲	فصل هفتم: عصر آشوب و زمینه پیدایش احزاب سیاسی.....
۵۰	فصل هشتم: احزاب چپ [حزب توده، فرقه دموکرات آذربایجان].....

=====

=====

فصل نهم: احزاب راست‌گرا و ملی [حزب اراده ملی، حزب ایران...]. ۶۲.....

۶- بخش چهارم: [علل تشکیل حزب دموکرات و تجزیه و تحلیل آن]. ۷۰-۱۶۸.....

فصل دهم: زمینه‌های پیدایش حزب دموکرات و به قدرت رسیدن قوام... ۷۱

فصل یازدهم: چگونگی اعلان موجودیت حزب دموکرات... ۸۹.....

فصل دوازدهم: عکس‌العمل نیروهای سیاسی در مقابل پیدایش حزب... ۱۰۲

فصل سیزدهم: اساسنامه حزب دموکرات و پیوستن افراد به حزب... ۱۱۳

فصل چهاردهم: برنامه و تشکیلات حزب [وزارت کار و تبلیغات،

دستگاه اطلاعاتی قوام، اتحادیه سندیکای کارگران،

گارد نجات ملی، بودجه و منابع درآمد حزب]. ۱۲۱.....

فصل پانزدهم: شخصیت‌های حزب دموکرات و وابستگی سیاسی

رهبران... ۱۴۱.....

۷- بخش پنجم: مسئله نفت شمال، دموکرات‌ها و روابط قوام با -

قدرت‌های بزرگ... ۱۶۹-۲۵۳.....

فصل شانزدهم: سابقه واگذاری نفت شمال... ۱۷۰.....

فصل هفدهم: روابط قوام با اتحاد جماهیر شوروی... ۱۷۷.....

فصل هیجدهم: روابط قوام با دولت انگلستان... ۱۹۴.....

فصل نوزدهم: روابط قوام با دولت آمریکا... ۲۱۷.....

فصل بیستم: روابط قوام با شاه و دربار... ۲۳۵.....

=====

=====

۸- بخش ششم: تشکیل مجلس پانزدهم و نمایندگان وابسته به

حزب دموکرات..... ۳۱۲-۲۴۵

فصل بیست و یکم: نقش مجالس پس از شهریور ۱۳۲۰ و مجلس

پانزدهم..... ۲۵۵

فصل بیست و دوم: نمایندگان دموکرات که به مجلس راه یافتند..... ۲۶۸

فصل بیست و سوم: علل مخالفت نمایندگان مجلس با قوام..... ۲۸۴

فصل بیست و چهارم: فروپاشی قدرت قوام..... ۲۹۷

فصل بیست و پنجم: پایان عمر حزب دموکرات..... ۳۰۷

۹- بخش هفتم: نتایج تشکیل حزب دموکرات و علل فروپاشی آن... ۳۶۳-۳۱۳

فصل بیست و ششم: وابستگی طبقاتی رهبران حزب..... ۳۱۴

فصل بیست و هفتم: رابطه قوام با رهبران حزب..... ۳۲۶

فصل بیست و هشتم: روابط درونی حزب..... ۳۳۹

فصل بیست و نهم: روابط برونی حزب و نتایج حزب..... ۳۴۷

۱۰- فهرست منابع و مأخذ [کتاب، اسناد، مجلات، روزنامه‌ها]..... ۳۸۴-۳۶۴

ضمائم

پیشگفتار

بحث و پژوهش پیرامون دوره پهلوی، بطور جدی، علمی، و دقیق هنوز وارد مجامع علمی و دانشگاهی نشده است.

اگر هم سخنی از دوران معاصر به میان می آید، بیشتر منحصر به دوره قاجاریه، مشروطه و وقایع پس از آن تا روی کار آمدن رضاشاه می شود.

تا آنجائی که اینجانب موضوع پایان نامه های تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد تاریخ، چه در دانشگاه فردوسی، و چه در دانشگاه های تهران را مرور کرده ام، به موضوعی پیرامون وقایع پس از روی کار آمدن رضاشاه برخورد نکردم. بنظر می رسد این موضوع در نوع خود جدید و تازه باشد.

در بین محققین و پژوهشگران مقاطع بالاتر نیز توجه و عنایت کمتری به این دوران شده است، هرچند که بعد از انقلاب اسلامی، کتب متعددی پیرامون رجال و شخصیت های این دوره منتشر گردیده، ولی آنچه که مشهود می باشد، بسیاری از این کتب از پایه و اساس علمی و تحقیقی کمتری برخوردار است آنچه که جلب توجه می نماید، بیشتر جنبه سوددهی و تجارت برای بسیاری از این نویسندگان دارد.

هرچند که بسیاری از نویسندگان مقالات و مطالب منتشر شده در روزنامه ها و مجلات مختلف را گردآوری کرده اند، و به عنوان زندگینامه شخصیت های گوناگون منتشر کرده و یا اقدام به نقل خاطرات رجال سیاسی نموده اند، که در نوع خود برای مطالعه کنندگان تاریخ معاصر مفید می باشد، اما به عنوان کار علمی و مستند، کمتر مورد توجه محققین و پژوهشگران این دوره واقع شده است.

از ابتدای دوره کارشناسی، تمایل داشتم که موضوعی را پیرامون سال های پس از کودتای ۱۲۹۹، برای تحقیق برگزینم، به دلیل نزدیکی به زمان ما، و مسائل مبهم این دوره، و از طرفی تحولات جدید جامعه ایران، می توانست مسائل بسیاری را روشن

نماید.

برای اولین بار که در مورد موضوع پایان‌نامه با استاد راهنمای معظم، جناب آقای دکتر حسین الهی مشورت نمودم، تمایل خود را مبنی بر انتخاب موضوعی پیرامون شخصیت «قوام‌السلطنه»، با ایشان در میان گذاشتم، بسیار مشتاق بودم که زندگی سیاسی قوام را به دلیل حضور چشمگیری در وقایع پس از مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد، به عنوان موضوع پایان‌نامه انتخاب نمایم، اما به دلیل سابقه طولانی و گسترده قوام در مسائل سیاسی مشروطه تا سالهای پس از نهضت ملی شدن صنعت نفت، کار از حد یک رساله کارشناسی ارشد فراتر می‌رفت، لذا با مشورت و راهنمایی استاد گرامی، به این نتیجه رسیدم که یک مقطع کوتاه، و جزئی‌تری از دوران فعالیت سیاسی قوام‌السلطنه به عنوان موضوع کار پایانی برگزیده شود.

در بین مجموعه فعالیت‌های قوام، سالهای (۱۳۲۶ - ۱۳۲۴)، به دلیل حضور متفقین و فعالیت جناح‌های گوناگون از جمله نیروهای چپ در کشور و عدم ثبات سیاسی در ایران، از ویژگی خاصی برخوردار است. لذا به این نتیجه رسیدم که تشکل حزبی قوام، به دلیل حضور چشمگیر اعضای حزب دموکرات در فعالیتهای گوناگون این سالها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

در بدو امر چنین بنظر می‌آمد که به علت تعدد منابع، کار تا حدودی با مشکل کمتری مواجه خواهد بود، اما پس از بررسی و مطالعه، پیچیدگی و مشکلات کار، از نظر دست‌یابی به منابع و بررسی و نقد آنان از جهت صحت و سقم، بیشتر مشهود و نمایان گردید.

یکی از ویژگیهای این دوره تعدد روزنامه‌ها و مجلات می‌باشد، بطوری که در فاصله سالهای (۱۳۲۶ - ۱۳۲۰) بیش از ششصد روزنامه و مجله در سراسر کشور منتشر می‌شد، که هرکدام می‌توانند در جای خود مورد استفاده یک کار تحقیقی واقع شوند، به ویژه که فعالیت و حکومت قوام، در حد فاصل این سالها از همه دولتها طولانی‌تر است، برای بار دوم قوام پس از شهریور ۱۳۲۰، مدت بیست و دو ماه (۱۳۲۶)

- (۱۳۲۴) ریاست دولت را بعهدہ داشت.

بنابراین موضوع پایان‌نامه اینجانب که قوام‌السلطنه و حزب دموکرات می‌باشد، مورد توجه نویسندگان و روزنامه‌نگاران در این سالها و پس از آن قرار گرفته، و لذا برای دستیابی به مطالب مورد نظر علاوه بر کتب و منابع موجود، بایستی بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت، که کاری مشکل و گسترده بود.

از طرفی چون مطالب اشاره شده در روزنامه‌ها بیشتر جنبه سیاسی دارد، بایستی نسبت به دیگر منابع دقت و تأمل بیشتری به عمل می‌آمد.

روزنامه و مجلات این دوره را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد، دسته‌ای طرفدار قوام و سیاستهای وی، گروهی حامی دربار و مخالف قوام، و دسته سوم نیز از سیاستهای قدرتهای بیگانه در کشور حمایت می‌کردند، که خود مشکل کار را در دست‌یابی به مطالب واقعی پیچیده‌تر می‌کرد.

با توجه به گروههای ذکر شده مطبوعات در این دوره و پس از آن در سه مقطع تاریخی مورد بررسی قرار گرفت.

۱- نشریات سالهای (۱۳۲۷ - ۱۳۲۴) که فعالیت حزب دموکرات قوام‌السلطنه در این سالها متمرکز می‌باشد.

۲- روزنامه و مجلات سالهای (۱۳۳۲ - ۱۳۳۰) که قوام، برای مدت کوتاهی در مقابل ملی‌شدن صنعت نفت، پست نخست‌وزیری را پذیرفت، بسیاری از نشریات این دوره کابینه قوام و حزب دموکرات را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۳- جراید سالهای (۱۳۳۷ - ۱۳۳۳) و پس از آن که مرگ قوام‌السلطنه پیش می‌آید، وقایع سیاسی دوره حکومت قوام از جمله حزب دموکرات مورد بازنگری قرار داده، و اصولاً هر سال که سالگرد شکست فرقه دموکرات آذربایجان برگزار می‌شد، مباحثی نیز در مورد فعالیت حزبی و سیاسی قوام نیز عنوان می‌گردید.

علاوه براین، خاطرات سیاسی بسیاری از شخصیتها نیز مورد استفاده واقع شده

هرچند که معمولاً سیاسیون در نقل خاطرات خویش کمتر به اشتباهات خویش و دوستانشان توجه دارند و همیشه سعی دارند که خطاهای سیاسی خود را موجه جلوه دهند. اما در هر صورت به عنوان یکی از منابع موجود تاریخ این دوره نایستی نادیده انگاشته شوند.

لذا برای پژوهش در مورد قوام و حزبش، بسیاری از منابع، اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران و بعضاً اسناد ترجمه شده بیگانگان (اسناد آمریکا در سال ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴) و نشریات بسیاری مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

اینجانب، روزهای متوالی در بخشهای مختلف کتابخانه‌های ملی، مجلس، آستان قدس، و دانشکده ادبیات، به ویژه بخش آرشیو مطبوعات و اسناد کتابخانه‌های مذکور را مورد استفاده قرار دادم، و در این راه نیز از مساعدت و راهنمایی بسیاری از کارکنان آنان بهره گرفتم.

در ابتدا بر خود فرض و لازم می‌دانم که از مساعدت و راهنمایی‌های گوناگون استاد ارجمند جناب آقای **دکتر حسین الهی**، که راهنمایی این پژوهش را بعهده داشته، و همیشه با صبر و حوصله و چهره‌ای باز، از هدایت و ارشاد در این زمینه دریغ نکرده، و با رهنمودهای دلسوزانه خویش انگیزه بیشتری را برای کار فراهم نموده‌اند، نهایت امتنان و تشکر را از ایشان دارم.

از بذل و عنایت استاد بزرگوار، جناب آقای **دکتر ابوالفضل نبئی**، مدیریت محترم گروه تاریخ، که مشاورت این پایان‌نامه را بعهده داشته، و در نقد و بررسی آن یاری و مدد رسانده‌اند خاضعانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

برخود واجب می‌دانم که از دست‌اندرکاران کتابخانه‌های آستان قدس، دانشکده ادبیات و کتابخانه گروه تاریخ دانشکده (کتابخانه مرحوم دکتر حائری) به خاطر همکاری صمیمانه که در این پژوهش مبذول داشته‌اند، سپاسگزاری بی‌دریغ خود را از این عزیزان اعلان می‌دارم.

اگر مراتب قدردانی و سپاسگزاریم از مسئولین محترم کتابخانه‌های ملی و

مجلس که مجلات و روزنامه‌های موجود و بعضاً نسخه‌های کمیاب را در اختیار قرار دادند، ثبت نکنم در انجام وظیفه قصور بخرج داده‌ام.

و همچنین از دست‌اندرکاران سازمان اسناد ملی ایران، بخاطر در اختیار قرار دادن اسناد موجود در مورد قوام و حزبش کمال امتنان را دارم. بدینوسیله از مؤسسه پژوهش و مطالعات وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان که بی‌دریغ فهرست مدارک موجود پیرامون قوام را در اختیار اینجانب قرار دادند از اینکه تشکرات قلبی خود را به آنان تقدیم می‌نمایم مسرورم.

با جناب آقای دکتر باقرعاقلی که در مورد قوام تحقیقاتی داشته‌اند، ملاقاتی داشتم ایشان نیز مساعدت و راهنمایی لازم را مبذول فرمودند، از لطف و عنایت ایشان متشکرم.

یکبار دیگر فرصت را مغتنم شمرده، و از همه عزیزانی که به هر نحوی همکاری کرده‌اند و در این پژوهش رهین منت آنانم تشکر صمیمانه خود را از آنان اعلام می‌نمایم، در خاتمه لازم به یادآوری است که هرگونه نقد و راهنمایی اساتید محترم موجب کمال تشکر و امتنان خواهد بود.

مقدمه

جنگ جهانی دوّم در ایران و سایر کشورهای جهان با تحولات و نتایج پیش‌بینی نشده‌ای همراه بود، از آن جمله سقوط حکومت استبدادی رضاشاه در ایران، رضاشاه در آخرین سالهای حکومت خویش گرایش شدیدی به آلمان هیتلری پیدا کرد. بطوری که از سال ۱۳۱۵ به بعد، هراقدام سیاسی و اقتصادی که در ایران انجام می‌گرفت، با کمک و هدایت کارشناسان و متخصصین آلمانی انجام می‌شد. چنانکه آلمان در این مدت مهمترین شریک تجاری ایران محسوب می‌شد.

علاوه بر این شعارهای هیتلر و تزبرتری نژادی وی، هواخواهانی در جهان از جمله ایران پیدا کرده بود، رضاشاه که از تفکر ناسیونالیستی افراطی برخوردار بود، و موفقیت‌های نظامی هیتلر چنین ذهنیتی را در رضاشاه ایجاد کرد که باید از انگلستان قطع رابطه نماید و خود را به آلمان نزدیکتر گرداند.

با آغاز جنگ جهانی دوّم، ایران نیز عرصه تاخت و تاز حضور سیاسی نظامی متفقین گردید. این قدرتها بویژه انگلیس و شوروی که حیات سیاسی و نظامی خویش را، در پرتو هماهنگی و همکاری با یکدیگر می‌دیدند، اقدام به «جبهه واحد ضدفاشیستی» نمودند، و در یک جبهه علیه «هیتلر» و جبهه متحدین وارد عمل شدند. متفقین در شمال و جنوب کشور، دولت ایران را مجبور کردند، که تمام مستشاران آلمانی را از ایران اخراج نماید. و نهایت اینکه رضاشاه را وادار به استعفا و به جزیره موریس تبعید نمودند. انگلیس و شوروی که اصلی‌ترین هدفشان در اختیار داشتن ایران و بهره‌برداری از راههای ارتباطی و امکانات اقتصادی موجود ایران بود، اقدام به تصرف نقاط حساس، و مراکز ورودی و خروجی ایران کردند.

سقوط رضاشاه، و روی کار آمدن پسرش با کمک متفقین، و حضور قدرتمند نیروهای آنها در ایران، دولت مرکزی را تضعیف، و بعضاً تابع تصمیم‌گیری نیروهای

بیگانه قرار داد. کابینه‌های پس از سالهای (۱۳۲۶ - ۱۳۲۰)، که مبحث مورد بحث ما نیز ریشه در همین دوران دارد، در تصمیم‌گیریهای سیاسی و اقتصادی تابع نظرات نمایندگان دولت انگلیس، و بعضاً روسیه، و در مقاطعی آمریکا بودند. آنچه که مسلم است حضور قدرتمند و همیشگی انگلیس در ایران باعث گردید که بیشتر کابینه‌ها از جمله دولت‌های فروغی، سهیلی، ساعد، حکیمی و صدرالاشرف، متمایل به سیاست انگلیس باشند، اما دولت انگلیس و هوادارانش در ایران از گسترش نفوذ شوروی بالاخص تصرف سرزمینهای شمالی نگران بودند زیرا شورویها ضمن هماهنگی و فعالیت جناحهای چپ در کشور تلاش داشتند بسیاری از مناطق ایران از جمله منطقه نفت شمال را در اختیار بگیرند.

از طرفی سقوط دیکتاتوری پهلوی اول، حصارهای دوره حکومت استبدادی وی را در هم شکست، به طوری که مریدان و حامیان دوران حکومت وی نیز از عدم آزادی و پایمال شدن حقوق مردم دم زدند، نمایندگان مجلس دوره رضاشاهی و بسیاری از دوستان دوره استبداد، حامی مردم و آزادی شدند. نهایتاً این سقوط جو متشنجی را در کشور ایجاد کرد. گروهها و شخصیت‌های گوناگون، چه آنان که در دوره رضاشاه، به دلیل فعالیت سیاسی شکنجه، زندان و یا تبعید گشته، و چه آنان که تازه وارد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی گردیده بودند، به فکر ایجاد دستجات و گروههای متعدد در کشور افتادند، و لذا احزاب سیاسی، یکی پس از دیگری در داخل مجلس و دولت و یا بصورت آزاد و مستقل و گاه در جهت مخالفت با حکومت پهلوی شکل گرفتند، و فعالیت حزبی دامنه‌دار و گسترده‌ای را آغاز کردند.

حضور دولتهای پیروز در جنگ دوم، به ویژه دول انگلیس و شوروی در ایران، به دوستانشان فرصت می‌داد که فعالیت‌های حزبی خود را در پرتو حمایت آنان شکل دهند. به عبارتی وجود نیروهای متفکین در کشور، و کشمکش آنان بر سر مسائل سیاسی و اقتصادی ایران باعث گردید که احزاب مورد حمایت خویش را بیشتر تقویت نمایند.

از یک سو با تبلیغ افکار مارکسیستی توسط شورویها، از طرفی آزادی زندانیان سیاسی کمونیست و چپ‌گرای دوره رضاشاه، همانند گروه پنجاه‌وسه نفر، اولین تشکل سیاسی بنام «حزب توده» با هماهنگی شوروی ایجاد شد. حزب تازه تأسیس توده با توجه به سوابق حزب کمونیست در گذشته، سعی کرد از هرگونه شعار ضدفئودالی، مالکی و ضدمذهبی خودداری نماید. آزادیهای سیاسی پس از سقوط رضاشاه، و هرج و مرج داخلی، و نارضایتی گروههای گوناگون از پهلوی اول، به حزب توده. این امکان و فرصت را می‌داد که با کمک و حمایت دولت شوروی، تبلیغات وسیعی را جهت جذب افراد سروسامان دهد، و در اندک مدتی اعضای زیادی در پایتخت و شهرهای دیگر، علی‌الخصوص مناطق شمالی را به عضویت حزب درآورد، و برای دولتهای متزلزل پس از شهریور ۱۳۲۰، مزاحمتهای زیادی را ایجاد نماید. و می‌رفت که قدرت سیاسی را در ایران از دست جناح انگلیس و نهایتاً دولت انگلیس خارج نمایند. به ویژه روسها از گذشته و گرفتن امتیاز نفت خود را مغبون و متضرر می‌دیدند. و حال در پرتو حضور نیروهای خویش در شمال ایران که تا نزدیکی پایتخت پیش آمده بودند، و فعالیت جناحهای چپ نظیر حزب توده و «فرقه دمکرات آذربایجان» شورویها تلاش می‌کردند اهداف خویش را در ایران بدست آورند. فعالیت آنان تا آنجا پیش رفته بود که می‌توانستند در مناطق نفت خیز جنوب و محدوده قدرت انگلیس، اعتصاب راه‌اندازی نمایند. این دوره شباهت به سالهای قبل از قرارداد ۱۹۰۷ دارد چون در آن زمان حضور روسها در ایران و دربار بیش از انگلیس بود. لذا انگلیسها کوشیدند، با بستن قراردادی اهرم قدرت سیاسی را از دست روسیه خارج نمایند.

در این زمان نیز، اقدامات شوروی و گروههای وابسته به آن تلاش داشتند که حضور انگلیس را در صحنه سیاسی ایران کم رنگ نشان دهند، و خود جای آنان را پر نمایند.

در چنین شرایطی انگلیسها نیز، از احزاب ملی و راست‌گرایی نظیر حزب اراده ملی، حزب وطن، حزب هم‌رهان سوسیالیست حمایت کردند. و بدین منظور

سیدضیاءالدین طباطبائی را از فلسطین به ایران منتقل نمودند تا در مقابل جناح قدرتمند چپ، حزبی را راه‌اندازی نماید، اما اقدامات انگلیس نتوانست مانع حضور گستردهٔ هواداران شوروی در ایران گردد، به طوری که مزاحمت دولت شوروی و فرقه دموکرات آذربایجان، باعث سقوط پی‌درپی کابینه‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ و بخصوص سال ۱۳۲۴ گردید، در کمتر از یکسال یعنی از فروردین سال ۱۳۲۴، تا بهمن ماه که قوام‌السلطنه روی کار آمد سه کابینه تشکیل شد هیچکدام نتوانستند مسائل و مشکلات حضور شوروی و حامیانشان را حل نمایند.

سرانجام قوام‌السلطنه، با تظاهر به سیاست چپ‌گرایی، و جلب مساعدت روسها روی کارآمد، قوام که اوضاع را بیش از هر زمان دیگری آشفته می‌دید. برای خروج نیروهای روسی از ایران، و شکست هواداران جبهه چپ، سیاست زیرکانه‌ای را در پیش گرفت. ابتدا با کمک و فعالیت جناح‌های مختلف مجلس، از جمله نمایندگان حزب توده، از مجلس چهارده رأی اعتماد گرفت و اندکی بعد جهت مذاکره با دولت شوروی عازم مسکو گردید. و در مسکو ضمن مذاکرات محرمانه‌ای با استالین زمینه امضاء مقاولهٔ نفت را در تهران با سفیر شوروی فراهم کرد، که مسئله خروج نیروهای شوروی و چگونگی واگذاری نفت شمال را به آنان مشخص می‌کرد. همزمان با این اقدامات روابط سیاسی نزدیکی با آمریکا نیز که به عنوان فاتح جنگ جهانی دوم مطرح گردیده بود برقرار نمود. قوام همانند کابینه اول و دوم خود پس از کودتای ۱۲۹۹، یکبار دیگر پای آمریکا را به سیاست ایران گشود. و از کمک آنان جهت شکست شوروی استفاده کرد، و این روابط نهایتاً جای پای محکمی را برای آمریکا در سیاست آیندهٔ ایران ایجاد کرد.

قوام که حضور نیروهای چپ را در ایران قدرتمند می‌دید، برای شکست آنان اقدام به ایجاد حزبی بنام «حزب دموکرات ایران» کرد، در واقع از همان ترفند و سیاست جناحهای چپ، جهت شکست آنان بهره گرفت. تا آنجا که در مقابل فرقهٔ دموکرات آذربایجان، نام «حزب دموکرات»، را از برای حزب خود برگزید. و با همان

شعار چپ. به میدان مبارزه آمد. باب تازه‌ای به روی مخالفین حزب توده و فرقه دموکرات گشود. در مدت کوتاهی حزب وی، قدرت و مانور سیاسی را از دست نیروهای چپ گرفت. حزب توده که در مجلس چهاردهم دارای هشت کرسی نمایندگی و صحنه گردان مجلس بود، پیش‌بینی می‌شد که با توجه به حضور و حمایت نیروهای شوروی از آنان بیش از نیمی از کرسیهای مجلس پانزدهم را هم اشغال نماید.

اما سیاست و فعالیت مجدانه قوام و دوستانش، همه اهرمهای فشار را از دست نیروهای هوادار شوروی نظیر حزب توده و فرقه دمکرات آذربایجان گرفت. به طوری که نه تنها آنان موفق نشدند، نماینده‌ای روانه مجلس پانزدهم نمایند، بلکه از درون نیز متزلزل و شکست خورده به حساب آمدند. لذا فرقه دمکرات مضمحل و حزب توده دچار انشعاب گردید.

در مقابل شکست شورویها و حامیانشان در ایران، پیروزی نصیب دولت انگلیس گردید آنچه که توسط دولتهای قبل از قوام برای آنان میسر نشده بود، توسط قوام و حزیش از برای انگلیسها حاصل گردید.

دولت انگلیس که پس از روی کار آمدن قوام سیاست صبر و سکوت را در پیش گرفته بود. و هرگونه مداخله جدی را در امور ایران با احتیاط کامل می‌نگریست، منتظر بود یکبار دیگر همانند اواخر دوره قاجاریه حریف سیاسی خویش شوزوی را به کمک کسانی که تظاهر به مخالفت با انگلیس می‌کردند (قوام و دوستانش) منکوب، و از میدان سیاسی ایران بیرون نماید. و سرانجام انگلیس این پیروزی را با سیاست خود و درایت قوام و حزیش بدست آورد و برای مدتی بدون رقیب امور ایران را زیر نظر گرفت.

حزب دموکرات قوام السلطنه، همانگونه که در مسائل خارجی و شکست جناح چپ دام گسترده‌ای را پهن کرد، و نیروهای چپ را یکی پس از دیگری شکار نمود، در داخل کشور نیز فعالیتهائی را سازماندهی کرد از جمله مخالفت پنهان و آشکار با دربار و شاه، قوام کوشید از طریق حزب، قدرت و کرسیهای مجلس را در اختیار بگیرد. اما